

به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی.



ضعف هایمان را با حمله به دشمن خیالی نپوشانیم.

در آن دوران ما شاهد افزایش فاصله طبقاتی بودیم و آزادی نیز در جامعه وجود نداشت. از این رو می توان انتظار داشت که اندیشه های شریعتی که بر آزادی و عدالت تاکید داشت با تفکر غالب آن زمان در تناقض باشد.

سید محمد امین قانعی راد دلیل مخالفت برخی تندروها در دوره های مختلف با تفکرات شریعتی را تفاوت در اندیشه های شریعی دانست و گفت: عقیده شریعتی در جمع کردن سه آرمان معنویت، اخلاق و دین در عرفان بود که به نوعی یک رویکرد سوسیالیستی در مورد طبقات اجتماعی و همین طور رویکرد آزادی و اعتماد به انسان ها داشت. زیرا معتقد بود خداوند انسان را آزاد آفریده و به او حق انتخاب داده و این حق در جوهره انسان است. اگر جوهره اش را از او بگیریم در واقع انسان بودن را از او گرفته ایم.

وی افزود: این نوع نگرش با غرض های رسمی متفاوت بود. چراکه این غرض رسمی در ظاهر به دینداری تاکید می کرد و به اخلاق و انسانیت در این زمینه توجهی نداشت و بیشتر درگیر فرم آن و برگزاری مراسم های مذهبی بود.

قانعی راد با بیان اینکه اندیشه ی عدالت شریعتی برگرفته از اندیشه شیلی است؛ گفت: در آن دوران ما شاهد افزایش فاصله طبقاتی بودیم و آزادی نیز در جامعه وجود نداشت. از این رو می توان انتظار

داشت که اندیشه‌های شریعتی که بر آزادی و عدالت تاکید داشت با تفکر غالب آن زمان در تناقض باشد.

وی در پاسخ به این سوال که چرا برخی افراد شریعتی را محکوم به بیان ادبی و هنری‌اش می‌کنند که در پشت آن هیچ خبری از تفکر و اندیشه نیست، تصریح کرد: شریعتی ژانرهای مختلف ارتباطی داشت برای گفتگو با مخاطبان. او از نظر ادبی به دو معنای نگارش و سخن گفتن توانایی بالایی داشت و از این توانایی برای ارتباط با مردم و انتقال اندیشه بهره می‌برد.

قانعی‌راد افزود: علی شریعتی یک اندیشمند در حوزه عمومی بود. بسیاری از شاگردانش را افرادی تشکیل می‌دادند که دانشجوی علوم انسانی نبودند و یا به طور تخصصی در این زمینه مطالعه نداشتند. با این حال این افراد از قشر فرهیخته جامعه محسوب می‌شدند. به طور همزمان نوارها و متن سخنرانی‌هایش در بین مردم پخش و خوانده می‌شد. این وضعیت اقتضا می‌کرد تا ژانرهای متفاوتی در ارتباط با مخاطبان متنوع‌اش داشته باشد.

وی تصریح کرد: بحث این است که همه ژانرهای ارتباطی شریعتی در کلام خطاب‌اش خلاصه نمی‌شود. او می‌گفت که روشنفکران امروز باید چند زبان را از بر باشند: زبان کودکان، زبان جوانان، زبان دانشجویان، زبان مردم عادی و... او حتی در حوزه کودک نیز کتابی دارد و مطالبی که در این کتاب می‌آورد قابل فهم برای کودکان است. حال بی‌انصافی است اگر بگوییم این کتاب او خیلی ساده و سطحی است و هیچ اندیشه‌ای پشت آن وجود ندارد.

این جامعه‌شناس ژانرهای ارتباطی شریعتی را در آثارش مثال زد و گفت: ژانر ادبی او را می‌توان در آثاری چون "کویر" و گفتگوی تنهایی" و ژانر خطاب‌ی او را در "خودسازی انقلابی"، "حسین وارث آدم" و "شهادت پس از شهادت" و همچنین ژانر علمی او را در کتاب‌های "ویژگی قرون جدید"، "خودشناسی هویت"، "ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی" و "چه باید کرد" دید.

سیدمحمد امین قانع‌ی‌راد با بیان اینکه اندیشیدن در آن فضای تراژیک قبل از انقلاب جسارت می‌خواست؛ افزود: شریعتی جسارت اندیشیدن داشت؛ هرچند در مسیر غلط. چون معتقد بود در فرآیند آزمون و خطا می‌توان به جایی رسید که کمتر خطا کنیم. وی تاکید داشت که باید حرکت کنیم و راه بیفتیم. گفته می‌شود که شریعتی خطا داشت. مگر قرار بود خطا نداشته باشد. مگر می‌شود تفکر بدون اشتباه و سهو باشد.

وی با بیان اینکه اندیشه‌های دکتر شریعتی چند بعدی و چند لایه است، گفت: این لایه‌هایی است که می‌شد از آن سوءاستفاده کرد و گفتمان رسمی این کار را انجام داد؛ درحالی که نفس چند بعدی بودن آن را به فراموشی سپرد.

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران ادامه داد: شریعتی در کتاب "بازگشت به خویش" تاکید می‌کند که ضعف‌هایمان را با حمله به دشمن خیالی می‌پوشانیم. درحالی‌که فقدان رشد را باید در فکر و اندیشه جامعه خودمان بیابیم. او معتقد به بازنگری و بازسازی لایه‌های مختلف فرهنگ جامعه بود. هرچند به این لایه‌ها نقد داشت اما توجه به ظرفیت‌های آن‌ها و به‌روز کردن این لایه‌ها را لازم و ضروری می‌دانست.

وی افزود: در مقابل سنت‌گرایان می‌خواستند به قشر مذهب توجه کنند، بدون آنکه گوشه‌چشمی به نیازهای جهان و زمان داشته باشند.

قانعی‌راد به برخورد شریعتی با مقوله نقد اشاره کرد و بیان کرد: شریعتی اعتقاد به بازسازی و نقد اندیشه‌ی دینی داشت. او مراجعه به اندیشه‌ها را تنها برای تخریب یا تضعیف نمی‌پسندید بلکه تاکید داشت که نقد باید در مسیر بازنگری و تصحیح قدم بردارد.

وی ادامه داد: شریعتی این بازنگری را در زمینه سنت دینی و فرهنگ ایرانی خواستار بود و حتی معتقد بود که باید در برخورد با فرهنگ غرب نیز این بازنگری صورت گیرد. چراکه منتقد تقلید صرف از یک فرهنگ بیگانه بود.

نویسنده کتاب "تبارشناسی عقلانیت مدرن" با بیان اینکه شریعتی مقوله‌ی گفتگوی تمدن‌ها را نه به طور مستقیم بلکه در عمل نشان داده است؛ گفت: در آثارش یک رفت و آمد بین فرهنگ اسلامی- ایرانی و فرهنگ غربی دارد. به‌قدری برخوردهای این متفکر با اندیشه‌های غریب‌ومی همدلانه بود، هنگامی که در کلاس‌ها درباره بودایی یا مارکسیست سخن می‌گفت، گویی یک بودایی و یا یک مارکسیست است.

وی افزود: این مطلب نشان می‌دهد که شریعتی ظرفیت فهم اندیشه‌های دیگر را داشت و برای نقد آن‌ها به تخریبشان برنمی‌خاست.

سیدمحمد امین قانع‌ی‌راد؛ شریعتی را دلسوز و یاری دهنده انقلاب معرفی کرد و افزود: او در دوره‌ای می‌اندیشید که فضا و وضعیت به ظاهر عادی بود و در باطن بحرانی. جایی گفته بود: "می‌بینم که صدای انقلاب می‌آید". او وظیفه روشنفکر را در جامعه آن زمان، کمک به انقلاب می‌دانست که چون کودک نرسیده‌ای با سلامتی کامل و بدون خونریزی به دنیا بیاید.

قانع‌ی‌راد درپاسخ به این سوال که شریعتی دربرخورد با دو مقوله علم و دین چه برخوردی داشت، گفت:

او علم را آن چیزی که هست تعریف می‌کرد و هنر و دین را در کنارهم، آن چیزی که نیست. علم به واقعیت‌ها و بهره‌وری از ظرفیت‌ها توجه دارد و هنر و دین به تحول و تبدیل شدن به آن چیزی که وجود ندارد. او معتقد بود که هنر و دین با دنیای تحول و میل به شدن سروکار دارد و علم با دنیای واقعی و واقعیت‌ها.

وی افزود: شریعتی تاکید داشت که انسان که آمیزه‌ای از روح و جسم است، به این دو نظام معرفتی نیاز دارد. هرکدام از این نظام‌ها قواعد خاص خودشان را دارند و نمی‌شود با زبان دین و هنر در عرصه علم صحبت کرد و برعکس.

قانعی‌راد در ادامه گفت: دکتر علی شریعتی به ما به میراث رسیده و باید با اندیشه‌های او کارکنیم. باید آن‌ها را نقد کنیم. نباید آن را حذف کنیم.

سنت‌گرایان اندیشه‌ی شریعتی را برنناقتند

بیژن عبدالکریمی نیز در پاسخ به این سوال که دلیل برخی مخالفت‌ها با تفکرات شریعتی چیست، گفت: در جامعه‌ی ما یک نوع سنت‌گرایی وجود دارد و سنت‌گرایان، یگانه تفسیر خود را درست می‌دانند و غیر از آن هیچ‌گونه تفسیری را نمی‌شناسند. زیرا از همان اول یک نوع بی‌مهری و بی‌محبتی را نسبت به شریعتی نشان دادند.

وی به دو دلیل عمده اشاره نمود و تصریح کرد: دلیل اول این است که سنت‌گرایان گرچه به لحاظ عملی در گرداب مدرنیته گیر کرده‌اند و اسیر شده‌اند اما به لحاظ نظری و معرفت‌شناسانه هنوز زیست‌جهان عالم مدرن را به رسمیت نشناخته‌اند. آن‌ها ساده‌اندیشانه فکر می‌کرده‌اند که می‌توانند در برابر مدرنیته و هویت بخشی جهانی آن، مقاومت کنند و بر هویت بومی و اسلامی تکیه می‌کردند. اما تجربه بعد از انقلاب نشان داد که مدرنیته امری اجتناب‌ناپذیر و صرفاً براساس مواضع سیاسی، ایدئولوژیک و تئولوژیک نمی‌توان در برابر این روند مقاومت کرد.

وی افزود: از سوی دیگر به دلیل ظهور دومین شکاف تمدنی، اضافه شدن شکاف میان عالم پست‌مدرن و عالم مدرن بر شکاف پیشین و جامعه سنتی ما با عالم مدرن و تغییر و تحول شتابان فرهنگی جامعه، سنت‌گرایان خود را ناتوان از حفظ و کنترل وضعیت موجود دیدند؛ لذا ناچاراً به نحو انفعالی و ناگزیر نسبت به شریعتی تغییر جهت داده و به اندیشه‌های او به‌عنوان زیباترین، نیرومندترین و آخرین سد مقاومت هویت بومی، ایرانی و اسلامی ما در برابر جهان مدرن، تمسک جستند.

عبدالکریمی ایراز تاسف کرد و گفت: افسوس و صد افسوس که سنت گرایان ما همواره دیر و بسیار دیر به اصلاح مواضع خویش می پردازند و هزینه های این تعهد تاریخی را همواره باید جامعه مظلوم و محروم ما پرداخت کند.